

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۲۵ جون ۲۰۱۶

مهمترین چیز داشتن علاقه و اراده و زدودن موانع است!

فوتبال، با توجه به تاریخ تقریباً یک قرن گذشته ورزشی است متعلق به اروپا. شکی نیست که این ورزش امروز به ورزش دوست داشتنی همه مردم کره زمین تبدیل شده است و هر ملتی با علاقه مندی خاصی به این ورزش اهتمام می ورزد و کوشش زیاد می نماید، چه در سطح مملکت و چه در سطح منطقه و جهان تا تیم های فوتبال شان در مسابقات منطقه ای و جهانی راه یابند و برنده جام اروپا و جام جهانی فوتبال گردند، اما باوجود همه همتگماری های سائر کشور های جهان، تا جایی که دیده شده است کشورهای اروپایی یگانه کشورهایی هستند که همیشه، به غیر از سه - چهار باری که کشورهای آرژانتین و برزیل و مکزیکو از امریکای لاتین قهرمان جام جهانی شده اند، هم در مسابقات جام اروپا و هم در مسابقات جام جهانی، جام را از آن خود ساخته و با شادی و غرور بر سکوی قهرمانی جای گرفته اند.

در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به رحمت ایزد رفته و اقمارش، تا زمانی که اقتصاد دولتی بود، یعنی تا زمانی که دولت بر سیاست های اقتصادی و برنامه ریزی های سیاسی - اجتماعی، از جمله فعالیت های ورزشی مدیریت داشت، بعضی از ورزش ها، مانند مشت زنی و زیبایی اندام و یک بوکس و کاراته و کشتی کج و ... و تا حدودی هم فوتبال، از آن جایی که ورزش های جهان سرمایه داری پنداشته می شدند، به عنوان ورزش های رسمی و طرف علاقه دولت و به تاسی از آن مورد علاقه مردم این کشور ها شناخته نمی شدند.

این سخن البته بدان معنا نیست که ورزش فوتبال و مسابقات فوتبال در این کشور ها به هیچ وجه علاقه مند نداشت و مسابقات بازی فوتبال در این کشور ها و میان این کشور ها هرگز برگزار نمی شد، بلکه هدف از این سخن این است که این ورزش از توجه خاص و لازم حکومت های این کشور ها بی نصیب بوده است. کشورهایی مانند پولند یا هنگری، به طور مثال، که از جمله کشورهای روی همرفته کوچک و عقب مانده از نظر صنعت و کشاورزی و سائر فنون و علوم در زمره اقمار شوروی بودند و از هر لحاظ به برادر بزرگ اتکاء داشتند، ابداً علاقه و توان مالی شان در حدی نبود که به این ورزش طوری که لازم است علاقه نشان بدهند و همت بگمارند تا بدان قادر شوند که در مسابقات جام اروپا یا جام جهانی فوتبال اشتراک نمایند.

سقوط شوروی، آزاد شدن اقمار این کشور، شیوع دموکراسی لیبرال، آزادی فردی، فرو ریختن مرز ها میان اروپای شرقی و غربی، رواج اقتصاد بازار در این کشور ها، از سر گیری تجارت و داد و ستد مالی و پولی میان کشور های شامل در پیمان وارسا و کشور های پیمان ناتو، رشد اقتصادی و بالاخره آمد و شد گردشگران کشور های اروپای شرقی

به اروپای غربی و امریکا و سائر کشورهای جهان و بالعکس، سبب شد که مردم این کشور ها با استفاده از آزادی که میسر شده بود [مرفوع شدن تشبث های دولتی] تمایلات فرو خفته خویش را در این زمینه بیدار ساخته بهبود و رونق بخشند.

بازی های تیم های فوتبال البانی و پولند، به ویژه تیم فوتبال هنگری که در مسابقه ای همراه با تیم قوی پرتگال با بازی کنان بسیار برجسته و نامدار و باد پا، مانند "کریستین رونالدو" تا آخر شانه به شانه پیش رفت، به شکلی که موجبات اوقات تلخی و خشم رونالدو را فراهم کرد، از انتظار به دور بود.

پیش بینی این امر که تیم های البانی یا پولند و یا هنگری در مسابقات موجود جام اروپا به مدارج عالی دست پیدا کنند و برنده جام قهرمانی فوتبال امسال اروپا شوند، به احتمال زیاد پیش بینی نیست که به حقیقت بپیوندد، اما رسیدن به مقام موجود و پیدا کردن این مهارت و شطارت که تیمی نچندان مشهور هنگری در بازی با تیم قوی پرتگال مساویانه پیش برود و نگذارد تیم نیرومند کشور پرتگال در دور اول بازی های این مسابقه بر آن ها پیروز شود، خود امری است که تصور آن برای خیلی از انسان ها محال بود، ولی این تصور، با همه دوری آن از به حقیقت پیوستن، به حقیقت پیوست و تیم های این دو کشور بعد از تقریباً ۹۵ دقیقه بازی - در دو مرحله - بدون داشتن امتیاز بر یک دیگر، ۳ بر ۳، مساویانه بازی را به پایان رساندند.

مسأله و سؤال اصلی که در این نوشته مورد نظر است، این است که چطور کشور کوچکی که دهه ها از نگاه اقتصادی و نظامی و صنعتی و کشاورزی و فناوری و... محتاج به شوروی، که تا سی سال قبل حتی قادر نبود شائستگی راه یافتن و شمولیت در مسابقات جام اروپا و جام جهانی را از خود بروز بدهد، تا این حد در فوتبال چیرگی و مهارت پیدا کند و بالا برود که در مسابقات جام اروپا راه پیدا کند و در برابر تیم نیرومندی مثل پرتگال بایستد؟ جواب ساده است:

۱- داشتن علاقه و اراده.

۲- زدودن موانع، خود ساخته یا ساخته دیگران.

۳- ایجاد پیوند قوی و محکم میان اعضای تیم.

سه چیزی که متأسفانه در کشور ما در عرصه های مختلف، به ویژه در عرصه تقویت بنیه دفاعی کشور، بی نیاز شدن از دیگران، کوتاه کردن دست های چرکین و غرض آلودی که به سوی کشور ما دراز شده است و بالاخره برآمدن از قعر بدبختی و خصومت و تفرقه و رسیدن به اوج خوشبختی و دوستی و یگانگی، کمتر بدان توجه شده است.

در زندگی هر جهش، در هر زمینه و از سوی هر کسی که صورت بگیرد، و هر رویدادی، برای خردمندان درسهائی هستند که می شود از آن ها به نفع خویش و برای بهبود زندگی فردی و جمعی خود استفاده کرد.

کشورهای کوچکی امروز در جهان وجود دارند، بعضی ها با جمعیت بسیار کم و برخی با گذشته بسیار نامعلوم که امروز در موضع بسیار مطمئن و قوی قرار دارند؛ طوری که با خیره سری و بدون توجه به قوانین بین المللی و مراعات حق و حقوق دیگران و سرزنش های جهانی، مخالف خواست و تقاضای ده ها کشور T به راهی روان هستند که خود می خواهند و کسی هم هنوز قادر نشده است جلو آن ها را بگیرد. چنین امری را باید جدی گرفت و باید جداً بدان توجه کرد!

درک ضرورت داشتن این خصوصیات مثبت و خوب، یعنی داشتن علاقه به زندگی شاد و کامیاب، اراده برای رسیدن به چنین زندگی، زدودن همه موانعی که در راه توسعه و پیشرفت به سوی داشتن یک زندگی موفق موجود است و بالاخره درک ضرورت پیوند مستحکم و قوی میان یک یک از اعضای جامعه و یک یک از اقوام و ملیت های موجود در یک کشور، در جهان پرتلاطمی که ما امروز زندگی می کنیم، نیازی است بسیار مهم، جدی و حیاتی.

اگر برای تیم تقریباً گم نام و ضعیف هنگری این امکان میسر است که با علاقه به پیروزی و ایجاد پیوند مستحکم و قوی میان تک تک اعضای تیم و داشتن اراده قوی خود را به مقامی برساند که در برابر یکی از قوی ترین تیم های فوتبال جهان با اطمینانی ناشی از یقین قرار بگیرد، آیا برای ما این امکان میسر نیست که با خلق علاقه واقعی نسبت به وطن در خود و اراده آهنین و ایجاد وحدت میان همه افراد و اقوام کشور "تیم بزرگی" را به وجود بیاوریم که در برابر کشور زورگویی مانند پاکستان قرار گیرد و از حق مشروع و تاریخی خود دفاع کند؟ پاکستانی که امروز به اصطلاح "ازپاچه کشیده" و به ما حکم می کند که روابط تان را با هند به پائین ترین سطح ممکن برسانید، از سرزمین این طرف خط دیورند صرف نظر کنید، راه های ترانزیت به کشور های آسیای میانه را با حداقل "تکس و تعرفه" به روی ما باز کنید و از ایجاد بند های برق بر روی دریا هایی که آب آن ها به پاکستان جریان پیدا می کند خود داری نمائید و...، در غیر آن هر چه دیدید از خود دیده اید!

آری، باید از هر پیش آمدی پند و عبرت گرفت و به تک تک ساعت که گذشت زمان را به ما حالی می کند، گوش داد، در غیر آن هیچ چیز عوض نمی شود و همین ما خواهیم بود با همه ضعف و بیچاری و وابستگی و نیاز به دیگران و همین "پس گردنی" خوردن های قلدرانه از دست پاکستان و ایران و...

۲۰۱۶/۰۶/۲۴